

واکاوی پدیده طلاق، ریشه‌ها و پیامدها در شهر تهران ۱۳۹۵

رویا طاهری بنچناری^۱، حسین آقاجانی مرساء^۲، علیرضا کلدی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۷/۱۵

چکیده

پژوهش حاضر با هدف کشف و تحلیل پدیده طلاق و با اتخاذ رویکردی کیفی و با استعانت از روش نظریه‌مبنایی کوشیده است مدلی پارادایمی از پدیده طلاق، بر اساس برداشت‌های ذهنی و تفاسیر و تعاریف کنشگران از این مفهوم ارائه دهد. سوژه‌های این مطالعه با استفاده از شیوه نمونه‌گیری هدفمند و بر مبنای اصل اشباع نظری شامل ۵۵ نفر از زنان مطلقه و در حال طلاق در شهر تهران در سال ۹۵ می‌باشند. برای تحلیل داده‌ها از شیوه معرفی شده توسط استروس و کوربین در نظریه‌مبنایی استفاده شده است. بر حسب یافته‌ها شرایط علی طلاق از منظر سوژه‌ها عبارتند از: نوع و شیوه ازدواج، دلایل ازدواج، اختلالات روحی روانی همسر، عدم خرسندی و تشفی از روابط زناشویی و جنسی، عدم آمادگی زوجین برای ازدواج، عدم تعهد اخلاقی به زندگی زناشویی، ناهم‌سویی در خلیقات، ذوقیات و سلائی، عوامل خطرآفرین، دغدغه ذهنی نسبت جدایی، ناهمسان همسری و خشونت در خانواده. شرایط زمینه‌ای طلاق از منظر سوژه‌ها عبارتند از: بنیه اقتصادی ضعیف خانواده، پایداری دوستی‌های قبل از ازدواج، کیفیت نازل مهارت‌های زندگی و ارتباطی زوجین، سابقه طلاق در خانواده و دوستان، پایگاه اقتصادی اجتماعی زن. شرایط میانجی یا مداخله گر طلاق از منظر سوژه‌ها عبارتند از: عوامل محافظت‌کننده، دخالت اطرافیان، وابستگی شوهر به والدین و انفعال در روابط خانگی، نوع ساختار خانواده، تفاوت در میزان فردگرایی و مدرنیسم و سبک زندگی، آگاهی زن از وضع نامطلوب موجود، ادب، نزاکت و تربیت اخلاقی پایین همسر، شوهر غیر اجتماعی و غیر معاشرتی و بی‌تحرك، دخالت فضاهای سایبری در روابط زناشویی. استراتژی‌های کنش (راهبرد) از نظر سوژه‌ها عبارتند از: توانمندسازی خود جهت خروج از فرودستی، استقلال طلبی، ناسزا، تهمت، تهدید، کتک، دعوا، طلاق عاطفی (فاصله گیری، سکوت، قهر)، ترک خانه، مراجعه به مشاوره جهت حل مسائل خانوادگی، مراجعه به دادگاه (مهریه، نفقه) و اقدام به طلاق، اتخاذ رفتار مقابله به مثل، عدم رغبت به برقراری رابطه جنسی. پیامدهای طلاق از منظر سوژه‌ها عبارتند از: تغییر ساختار خانواده به مثابه پیامد وضع موجود، داغ ننگ، افت تحصیلی و اخلاقی و عاطفی فرزندان، احساس طرد و حاشیه نشینی، احساس خسران از زندگی زناشویی، بروز صور بیگانگی (احساس بیگانگی از خود، زندگی زناشویی و جامعه)، فردگرایی.

واژگان کلیدی: طلاق، شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله گر، راهبردها، پیامدها، روش نظریه‌مبنایی، شهر تهران

۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز؛ پست الکترونیکی: taheri.roya@yahoo.com
۲ دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز؛ پست الکترونیکی: a_marsa1333@yahoo.com
۳ استاد جامعه‌شناسی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی؛ پست الکترونیکی: a.k.kaldi@uswr.ac.ir
این مقاله برگرفته از رساله دکتری می‌باشد.

مقدمه

خانواده به عنوان کوچکترین واحد اجتماعی، پایه و اساس ساخت اجتماعی محسوب می‌شود. واژه خانواده مجموعه‌ای گسترده از ساختارها، شکل‌ها و وظایف را در برمی‌گیرد که در هر کشوری متفاوت است، و درون جامعه‌ای واحد نیز، بر اساس طبقه‌ی اجتماعی، سطح فرهنگی و سطح درآمد، تغییر می‌یابد. به همین سبب جای آن دارد که خانواده را نه به صورت عاملی ایستا و تغییرناپذیر بلکه همانند هسته‌ای تحول‌یابنده در نظر بگیریم که انعطاف‌پذیری و انطباق‌پذیری چشم‌گیری دارد. خانواده عرصه‌ای بسته نیست بلکه نهادی است که همواره از دگرگونی‌های کل جامعه تأثیر می‌پذیرد و در عین حال توانایی پایداری در برابر رویدادها و دگرگونی‌ها و اثرگذاری بر آن‌ها را نیز دارد. (بهنام، ۱۳۹۴: ۲۳)

علی‌رغم نقش و اهمیت خانواده در طول تاریخ، طلاق روبه و جنبه دیگر از این واقعیت است که هیچ فرد، گروه و جامعه‌ای اعم از توسعه یافته یا در حال توسعه از اثرات و پیامدهای آن مصون نیست. نهاد خانواده در کنار نهاد دین و دولت از گذشته تا اکنون سازنده جامعه ایرانی بوده است. با وجود توسعه نهادی از آغاز قرن ۲۰، این سه نهاد هم‌چنان شکل‌دهنده ساختار و روابط اجتماعی جامعه در ایران هستند. (آزاد ارمکی، ۱۳۹۴: ۲۷)

به اعتقاد گوروچ، خانواده پدیده‌ای است که هر لحظه در حال دگرگونی بوده و از فراگردهای (ساخته شدن)، (از ساخت افتادن) و (بازساختی شدن) برخوردار است. (لبی، ۱۳۹۳: ۱۸۵) هم‌زمان با تحولات اجتماعی دهه‌های گذشته در سطح جهانی، نهاد خانواده نیز با تغییرات و چالش‌هایی رو به رو شده، انگاره‌های اجتماعی و ساختارهای جوامع سنتی دچار دگرگونی‌های عمیقی شده است، نظام‌های هنجاری با چالش‌های بنیادینی روبرو شده و در نهادهای گوناگون اجتماعی رفتارهای جدیدی پدید آمده است.

جامعه ایران همچون بسیاری جوامع در حال توسعه، چند دهه است که قدم در راه مدرن شدن گذاشته و اثرات این مدرنیته نوپا را بر کلیه ساختارها و نهادهای خود تجربه می‌کند. نهاد خانواده هم از این جریان مستثنی نبوده و در این مسیر با چالش‌های بسیار روبرو شده است. شاید اولین اثرات مدرنیته بر نهاد خانواده، تغییر ساختار گسترده آن به خانواده هسته‌ای بوده است اما این ساختار جدید نیز به تدریج متناسب با الزامات و مقتضیات جامعه مدرن، دچار تحولاتی شده است که وضعیت آن را نسبت به شرایط چند دهه گذشته به کلی متمایز ساخته است. مواجهه با تمدن غرب و گسترش شهرنشینی جدید و نتایج آن به ویژه در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، موجب تغییرات عمده در شکل خانواده و خصوصاً تیپ شهری آن شده است، خانواده به سوی دگرگونی نگرش‌ها، ارزش‌ها، روابط و نقش‌ها پیش می‌رود. سرعت‌گیری این تحولات، که گاهی به نظر می‌رسد موجب بروز گسست و انقطاع از سامان‌های پیشین گردیده است، پدیده‌ای است که موضوع خانواده در ایران را به یک مسئله مبدل ساخته است.

بیان مسأله تحقیق

طبق آمار سازمان ثبت احوال کشور، میزان طلاق در ایران در سال‌های ۱۳۸۵ تا کنون به طور پیوسته در حال افزایش بوده و از ۹۴ هزار طلاق در سال ۸۵ به ۱۶۳۷۶۵ هزار در سال ۹۴ رسیده است. بر طبق آمار

منتشره مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، طلاق در کشور سیر صعودی دارد. این آمار به خصوص در نقاط شهری (به ویژه تهران) در حال افزایش است. روند صعودی طلاق نیز از مشخصه‌های بارز تحولات در حوزه خانواده در دهه‌های اخیر است. نهاد خانواده در دنیای کنونی، به طور گسترده‌ای طلاق را تجربه می‌کند، البته این بدان معنا نیست که در گذشته با این پدیده مواجه نبوده، ولیکن طلاق نیز مانند تمام پدیده‌های دیگر، تغییر ماهیت یافته است و به نظر می‌رسد نسبت به گذشته، پدیده‌ای عادی و عملی به هنجار انگاشته می‌شود. به اعتقاد جامعه‌شناسان، تبدیل یک مسأله به مسأله اجتماعی، مستلزم تبدیل شدن مسأله از یک گرفتاری خصوصی و شخصی، به یک مسأله عام ساخت اجتماعی است و زمانی به عنوان مسأله اجتماعی مطرح می‌شود که از حد معینی خارج شده و فراوانی آن غیر متعارف گردد و نیاز به ایجاد تغییر در آن خصوص احساس شود. بدین لحاظ امروزه، طلاق دیگر یک مشکل فردی نیست بلکه یک مسأله عام ساخت اجتماعی است. طلاق یک فرآیند چند مرحله‌ای است که نه تنها بر نحوه ارتباط افراد خانواده تأثیر می‌گذارد، بلکه کل جامعه را درگیر مشکلات جدی، عمیق و جبران ناپذیری می‌کند.

طلاق یکی از انواع گسیختگی‌های خانوادگی است که به دلیل رابطه آن با انواع آسیب‌های اجتماعی مثل تغییر نگرش نسبت به تداوم زندگی، رشد همباشی‌ها، فرار، روابط نامشروع، رواج زندگی مجردی، روسپی‌گری، اعتیاد، جرم، بزهکاری، و... مورد اهمیت می‌باشد. لذا افزایش گسترده افرادی که درگیر این آسیب‌ها هستند، ایجاب می‌کند پدیده طلاق، دلایل آن و پیامدهای آن در عرصه خرد و کلان اجتماعی بررسی و واکاوی شود.

طلاق در همه جوامع از نظر تاریخی قدمتی طولانی دارد و در تمام جوامع نیز با گذشت زمان و بروز مسایل متنوع رو به ازدیاد بوده است، مطالعات نشان می‌دهد روند افزایش طلاق جهانی است. (هال و ژانو، ۱۹۹۵، گونزالز و دیگران ۲۰۰۹) روند صعودی خیره‌کننده طلاق در جوامع معاصر سبب شد تا اندیشمندان، دوران جدید را در قالب اصطلاحاتی همچون عصر طلاق (اوپنهایم ماسون و جنسن ۱۹۹۵) و انقلاب طلاق (واتیزمن ۱۹۹۸، اوپونگ ۱۹۹۵) توصیف کنند. (به نقل از فروتن، ۱۳۹۲) در ایران نیز روند رو به رشد طلاق خصوصاً از میانه دهه ۷۰، به امروز موجب توجه محققان و سیاست‌گذاران به این پدیده اجتماعی شده است، پدیده‌ای که آثار زیانبار فراوانی در سطوح فردی و اجتماعی در پی خواهد داشت و زمینه‌ساز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی دیگر در جامعه خواهد شد. طلاق پدیده مهم اجتماعی است که به تمام جوانب جمعیت یک جامعه اثر می‌گذارد. از یک طرف بر کمیت جامعه، چرا که تنها نهاد مشروع و اساسی تولید مثل یعنی خانواده از بین می‌رود و از طرفی دیگر بر کیفیت جامعه اثر می‌گذارد. طلاق به عنوان یک پدیده اجتماعی متأثر از جامعه است و نیز خود روی جامعه تأثیر می‌گذارد.

طلاق به خودی خود مسأله‌ای ناهنجار نیست و در بعضی مواقع می‌تواند اعضای خانواده (زن، مرد، فرزندان) را از آسیب‌های احتمالی بیشتر رها سازد. اما جوامع سنتی و در حال گذار، در این پروسه دچار آسیب‌ها و تضادهایی گاه جبران ناپذیر می‌شوند چرا که روابط سنتی مخدوش شده در حالی که فضای عمومی جایگزین هم به اندازه کافی شکل نگرفته است. به عبارتی هنوز فاقد ساختارهای حمایتی و

جایگزین‌های قابل قبول برای عبور از این گذار می‌باشند و یکی از تلفات در عبور از معبر مدرنیته بنیاد خانواده‌هاست.

دلایل طلاق و شکل آن و برخورد با آن در جوامع مختلف و نیز در دوره‌های زمانی مختلف متفاوت می‌باشد و این نشان از نسبت این پدیده (طلاق) با جهان زیست و زیست بوم افراد دارد. بدین منظور برای بررسی این پدیده اجتماعی باید به بنا و بستر اجتماعی بزرگتر آن، یعنی زیست بومی که این پدیده اجتماعی در آن رخ می‌دهد نیز توجه داشت. با توجه به این که نمی‌توان نظریات کشورهای صنعتی را به کشوری مثل ایران با پیشینه و زمینه متفاوت تاریخی و مذهبی تعمیم داد باید به دنبال نظریه‌ای بود که از داده‌های موجود جامعه ایرانی برخاسته باشد. از این رو در این تحقیق با مطالعه میدانی به دنبال شناسایی ابعاد و زوایای پنهان و آشکار مسئله طلاق، بر اساس تجارب زنان مطلقه و متقاضی طلاق هستیم و با توجه به آن چه گفته شد سوال اساسی در تحقیق حاضر، واکاوی پدیده طلاق، ریشه‌ها و پیامدها در شهر تهران می‌باشد؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

براساس آمار ثبت احوال کشور، در سال ۱۳۷۲ از هر ۱۰۰ ازدواج یکی به طلاق منجر می‌شود، این میزان در سال ۱۳۸۵، به ۱۲ طلاق و در سال ۱۳۹۰ به ۱۶ طلاق در ۱۰۰ ازدواج رسیده است یعنی ۱۶/۳۳ درصد. آمار طلاق تا پایان سال ۱۳۹۱ در کشور به ۱۶/۶۶ درصد نیز رسیده است و به گفته علی اکبر محزون مدیر کل دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرتی سازمان ثبت احوال آمار طلاق در ابتدای دهه ۱۳۷۰ حدود ۳۰ هزار مورد بوده و در اواسط دهه ۱۳۸۰ به حدود ۹۴ هزار مورد رسیده و در سال ۱۳۹۳ در مجموع ۱۶۳ هزار و ۵۷۲ مورد طلاق در کشور ثبت شده که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۱۳۹۲ افزایش ۵/۳ درصدی را نشان می‌دهد. در سال ۱۳۹۴ در مجموع ۱۶۳۷۶۵ مورد رسیده که نسبت به سال ۱۳۹۳ افزایش ۱۹۶ موردی معادل ۴۴۹ طلاق در روز را داشته است. (سایت اداره ثبت احوال ایران، ۱۳۹۴) طبق گزارش سازمان ثبت احوال، ۱۴۹ هزار و ۷۹۷ مورد از این طلاق‌ها در مناطق شهری و ۱۳ هزار و ۹۶۸ مورد نیز در مناطق روستایی به ثبت رسیده است که به عبارتی در سال ۹۳، به ۲۲ طلاق در ۱۰۰ ازدواج رسیده است یعنی ۲۲/۶ درصد و یا به ازای هر ۴/۴ ازدواج در کشور ۱ طلاق به ثبت رسیده است و نکته درخور توجه اینکه در استان تهران و البرز ۰/۳۴ است، یعنی از هر ۳ ازدواج یکی به طلاق منجر می‌شود و حتی این آمار در کلانشهرها به نسبت بالا و پایین شهر متفاوت است، چنانچه در شمیرانات ۰/۵۷ و در شهر ری ۰/۲۳ گزارش شده است. در ۹ ماه اول سال ۱۳۹۵ در مجموع ۱۳۶۶۵۱ هزار مورد طلاق ثبت شده که ۱۲۷۱۵۶ هزار مورد مربوط به مناطق شهری و ۹۴۹۵ مورد مربوط به مناطق روستایی می‌باشد. نسبت ازدواج به طلاق در این مدت ۳،۹ می‌باشد، یعنی از هر ۳،۹ ازدواج یک طلاق به ثبت رسیده است. برای تهران این آمار ۲،۴ می‌باشد، چنانچه ۷۳۰۳۸ ازدواج در مقابل ۲۹۹۶۷ مورد طلاق به ثبت رسیده است، یعنی از هر ۲،۴ ازدواج در شهر تهران یک مورد طلاق وجود داشته است. اگر به این آمار،

طلاق‌های عاطفی که ثبت نشده و آماری از آنها در دست نیست و نیز برخی پرونده‌های طولانی در حال جریان را هم اضافه کنیم می‌بینیم، بسیاری از خانواده‌ها درگیر آن هستند. در کشورهای منطقه، ایران رتبه چهارم طلاق را در جهان به خود اختصاص داده است، که زنگ خطری برای جامعه و خانواده محسوب می‌شود. (رنجبر، ۱۳۹۳) در ضمن تهران رکورد دار طلاق توافقی در ایران می‌باشد و سالانه ۳۰ هزار نفر در تهران از یکدیگر جدا می‌شوند که حدود ۲۵ هزار مورد آن توافقی است. ۱۴٪ طلاق‌ها در همان سال اول زندگی مشترک و ۵۰٪ نیز در پنج سال اول زندگی مشترک اتفاق می‌افتد. ۸۰٪ طلاق‌ها در کشور میان زوج‌های دارای سن زیر ۳۰ سال رخ می‌دهد. طلاق به هر دلیلی که اتفاق بیفتد هم برای فرد و هم جامعه پیامدهایی را به همراه خواهد داشت، برای زن و مرد مشکلات اقتصادی، روانی، عاطفی، اجتماعی ایجاد می‌کند و نیز سبب جامعه‌ای ناپایدار و ناسالم می‌شود، چرا که داشتن جامعه سالم در گرو داشتن انسانهایی سالم است و جامعه چیزی جز افرادی که آن را ایجاد می‌کنند، نیست. اینها همه حاکی از آن است که توجه به پدیده طلاق در جامعه ایران ضروری به نظر می‌رسد.

سوالات تحقیق

- شرایط علی در پدیده طلاق از منظر سوژه‌ها کدامند؟
- شرایط زمینه‌ای در پدیده طلاق از منظر سوژه‌ها کدامند؟
- شرایط میانجی و مداخله گر در پدیده طلاق از منظر سوژه‌ها کدامند؟
- سوژه‌ها چه استراتژی‌های کنش (راهبرد) در قبال پدیده طلاق اتخاذ می‌کنند؟
- پیامدهای طلاق از منظر سوژه‌ها کدامند؟

اهداف تحقیق

اهداف اصلی

- واکاوی و تحلیل کیفی پدیده طلاق، ریشه‌ها و پیامدها در شهر تهران.

اهداف جزئی

- بررسی و تحلیل شرایط علی پدیده طلاق از منظر سوژه‌ها.
- بررسی و تحلیل شرایط زمینه‌ای پدیده طلاق از منظر سوژه‌ها.
- بررسی و تحلیل شرایط میانجی و مداخله گر پدیده طلاق از منظر سوژه‌ها.
- بررسی و تحلیل استراتژی‌های کنش (راهبردها) در قبال پدیده طلاق از منظر سوژه‌ها.
- بررسی و تحلیل پیامدهای طلاق از منظر سوژه‌ها.

پیشینه پژوهش

بررسی دقیق مطالعات صورت گرفته پیشین درخصوص مسئله مورد مطالعه بسیار حائز اهمیت است، چرا که منجر به شناخت بهتر مفاهیم کلیدی مساله مورد مطالعه خواهد شد و از طرفی با شناخت دقیق مطالعات پیشین محقق قادر به شناسایی خلاءهای پژوهش‌های صورت گرفته خواهد شد. همچنین بررسی مطالعات پیشین امکان مقایسه یافته‌های تحقیق یا تحقیقات انجام گرفته توسط سایر محققان را فراهم می‌آورد.

ابراهیمی منش، شکریگی (۱۳۹۵) در پژوهشی به شناسایی روند وقوع پدیده طلاق بر اساس روش کیفی پرداخته‌اند. تحقیق حاضر با استفاده از نظریه مبنایی و مصاحبه عمیق با ۴۰ نفر از زنان مطلقه یا در حال طلاق انجام شده است. مدل نظری ارائه شده ۵ عامل را که شامل: رسیدن به بلوغ فکری، روانی، اجتماعی در زندگی فردی و اجتماعی و نیز ابهام در منطق زندگی زناشویی، کیفیت نامطلوب سرمایه اجتماعی، ناکارآمدی الگوهای ارتباطی، نظام ناکارآمد مدیریت حل تعارض می‌باشد در فرایند وقوع طلاق موثر دانسته است. (ابراهیمی منش، شکریگی، ۱۳۹۵: ۳۴۲)

عابدی نیا، بوالهروی و نقی زاده (۱۳۹۴) در پژوهشی به «مقایسه عوامل زمینه ساز تقاضای طلاق بر حسب جنسیت» پرداخته‌اند. جامعه آماری این پژوهش را ۳۰۰ فرد متقاضی طلاق در دادگاه‌های خانواده تهران (شهید محلاتی - ونک) طی سالهای ۸۶-۱۳۸۵ تشکیل داده‌اند. روش پژوهش توصیفی و مقطعی، با انجام مصاحبه ساخت یافته بوده است. یافته‌ها نشان داده است، تقاضای طلاق در زنان بیشتر تحت تاثیر عوامل اقتصادی، خشونت، مشکلات جنسی و اعتیاد بوده است در حالی که مردان بیشتر به دلیل مشکلات فرهنگی، اجتماعی متقاضی طلاق بوده‌اند (عابدی نیا، بوالهروی و نقی زاده، ۱۳۹۴: ۱۴۱)

سهیلا صادق فسایی و مریم ایثاری (۱۳۹۴) در مقاله خود تحت عنوان «مطالعه جامعه شناختی سنخ‌های طلاق» و با هدف سنخ‌شناسی انواع و زمینه‌های طلاق و با اتخاذ رویکرد کیفی و تکنیک مصاحبه عمیق و نیمه ساختار یافته به بررسی درک و تصور سوژه‌های مطلقه از زمینه‌های طلاق خود و نحوه تفسیر آنها از این واقعه پرداخته است. در نتیجه مصاحبه کیفی با ۳۶ مرد و زن مطلقه تهرانی در مجموع شش تیپ گوناگون طلاق شناسایی شد. طلاق عقلانی - فاعلانه / عقلانی - توافقی / عقلانی - منفعلانه / عقلانی - جاه طلبانه / طلاق اجباری / طلاق شتاب زده. این سنخ‌شناسی از گونه‌های مختلف طلاق براساس میزان عاملیت افراد در عملی شدن کنش طلاق دسته بندی شده است که این عاملیت خود از دو عامل عقلانیت و میزان تمایلات عاطفی موثر است و علاوه بر این تفسیر افراد از علل طلاق و نیز برخی متغیرهای زمینه‌ای نقش مهمی در شکل‌گیری سنخ‌های گوناگون طلاق دارند. یافته‌ها نشان می‌دهد نحوه مواجهه کنشگران با طلاق و زندگی پس از آن (پیامد) و نیز کیفیت زندگی کنونی آنان تحت تاثیر تیپ‌های گوناگون طلاق است، این پژوهش لزوم پیشگیری از طلاق‌های شتاب زده و جاه طلبانه و لزوم توانمند سازی سوژه‌های درگیر با طلاق اجباری را در برنامه‌های مداخله‌ای یادآور می‌شود. (فسایی و ایثاری، ۱۳۹۴: ۱۳۳)

مختاری، میرفردی و محمودی (۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان «عوامل اجتماعی موثر بر میزان گرایش به طلاق در شهر یاسوج» با استفاده از روش پیمایش و حجم نمونه ۳۸۴ نفر، عوامل موثر به گرایش به طلاق مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌ها نشان داده است که بین متغیرهای میزان مراوده با خویشاوندان، میزان رضایت جنسی و عاطفه از همسر، میزان شناخت از همسر قبل از ازدواج، میزان وفاداری همسر و سطح انرژی عاطفی در خانواده با متغیر میزان گرایش به طلاق رابطه معکوس و معنی‌داری وجود دارد (مختاری، میرفردی و محمودی، ۱۳۹۳، ۲۱).

قریشی، شیرمحمدی و برجوند (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «فهم عوامل طلاق از منظر مردان و زنان در معرض طلاق و طلاق گرفته (مطالعه موردی شهر سقز)» به بررسی ابعاد و عوامل موثر بر طلاق از منظر مردان و زنان در معرض طلاق و طلاق گرفته با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای پرداخته‌اند. مفهوم هسته‌ای در این پژوهش که دربرگیرنده تمامی مفاهیم به دست آمده است، مفهوم غلبه نسبی ارزش‌های جدید است. (قریشی، شیرمحمدی و برجوند، ۱۳۹۳: ۱۹)

ام دی سام وای بی‌فانی یوزیاواتی (۲۰۱۴) در پژوهشی براساس تحلیل ثانویه داده‌های برگرفته از اداره توسعه اسلامی (JAKIM)، اداره ثبت احوال ملی مالزی (JPN) و مرکز ملی توسعه خانواده و جمعیت (LPPKN) به بررسی و تحلیل تعیین‌کننده‌های طلاق در بین زنان مالزی پرداختند. ریمو و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی به بررسی «نقش اختلافات تحصیلی در طلاق در ژاپن» پرداخته‌اند. این پژوهش براساس تحلیل ثانویه داده‌های پیمایش در دو دوره زمانی ۸۹-۱۹۸۰ و ۲۰۰۵-۱۹۹۰ و همچنین داده‌های مطالعات طولی ۱۴ ساله انجام گرفته است. یوریچ (۲۰۱۲) به بررسی «تعیین‌کننده‌های اقتصادی طلاق در میان زوج‌های شاغل (زن و شوهر هردو شاغل) یهودی در اسرائیل» پرداخته است. این پژوهش به شیوه تحلیل ثانویه با استفاده از داده‌های مرکز جمعیت‌شناسی یهودیان اسرائیل به بررسی تاثیر اشتغال زنان (علاوه بر اشتغال مردان) بر ثبات وضعیت زناشویی پرداخته است. ساندستروم (۲۰۱۲) در پژوهشی به بررسی تغییر و تحولات نرخ طلاق در سوئد در طی زمان پرداخته است. این پژوهش «گذر طلاق در سوئد طی سالهای ۱۹۷۴ - ۱۹۱۵» را مورد بررسی قرار داده است. ولی (۲۰۱۲) در پژوهشی تحت عنوان «کاهش نرخ طلاق در میان مسیحیان آمریکا مشاوره قبل از ازدواج یک پیش‌نیاز ازدواج» به بررسی نقش مشاوره قبل از ازدواج در کاهش میزان نرخ طلاق پرداخته است. (به نقل از ابراهیمی منش، ۱۳۹۵: ۱۸)

مبانی نظری

از آنجایی که مقاله حاضر با رویکرد نظریه‌مبنایی دنبال شده است فاقد جارجوب نظری است، معهذا به منظور توسعه مفاهیم حساس بر اساس رویکرد استروس و کوربین به مروری مجمل بر نظریه‌های مرتبط با موضوع پرداخته‌ایم.

نظریه پرداز	نظریه	متغیر
هیرشی	کنترل اجتماعی	دلبستگی و علاقه- مشارکت- باور- مسئولیت پذیری و تعهد.
هوارد بکر	برچسب اجتماعی	برچسب- داغ
لوینگر	مبادله اجتماعی	هزینه- پاداش- منفعت- جذابیت‌های بدیل جایگزین
دورکیم	آسیب شناسی و انومی	ضعف هنجارها- فقدان وجدان جمعی
	همسان همسری	همسانی مالی- فرهنگی- مذهبی- طبقاتی
مید	نظریه تکامل تاریخی	من اجتماعی- من- خود
بلومر	نظریه سامان یا مد	سنت- مد یا سامان
هابرماس	نظریه کنش ارتباطی	عقلانیت ابزاری و عقلانیت ارتباطی و تفاهمی
آگ برن	پس افتادگی یا تاخر فرهنگی	پس افتادگی فرهنگی- عدم هماهنگی در تغییر عنصرهای یک ترکیب فرهنگی
آلوین تافلر	موج سوم	انقلاب کشاورزی- انقلاب صنعتی- انقلاب اطلاعاتی و ارتباطی
گیدنز	مدرنیته	مدرنیته مناخر- مخاطره- باز اندیشی- دموکراسی گفتگویی
ویلیام گود	منابع	میزان منابع- پایگاه اجتماعی و اقتصادی- قدرت- زور- خشونت
جامعه شناسان فمینیست	نظریه فمینیستی	مرد سالاری- ظلم به زنان
باندورا و ساترلند	نظریه یادگیری اجتماعی	طلاق اطرافیان و دوستان- کشمکش در خانواده-

تعریف مفاهیم مرتبط با موضوع

خانواده^۱

خانواده یکی از ابتدایی‌ترین اشکال شناخته‌شده در زندگی اجتماعی انسان است که تاکنون وجود داشته است. بافت اجتماعی^۲ به‌نوعی تحت‌تأثیر تحولات خانوادگی قرار دارد و هرگونه انحرافی در فضای خانواده‌ها لزوماً در جامعه منعکس می‌شود. درمقابل، خانواده نیز در برابر تغییرات جامعه از خود واکنش نشان می‌دهد. از این‌رو، می‌توان گفت میان خانواده و جامعه یک رابطه دوسویه برقرار است و هرکدام بر دیگری تأثیر می‌گذارد. (احسانی، ۱۳۸۳: ۸۳).

در بحث‌های نوین جامعه‌شناختی، خانواده به‌عنوان یک سازه اجتماعی^۳، قابل تبیین است. این سازه اجتماعی خصلتی غیرخنثی^۴، سیال^۵ و غیرایستا^۶ دارد. به‌نظر می‌رسد گستره این تحول‌پذیری در تمامی ابعاد و زوایای ساختی-کارکردی خانواده نمایان می‌شود؛ اگر باتوجه به تعریف راجرز^۷ خانواده را همچون سیستمی درنظر بگیریم که نقش ارتباطات داخلی را ایفا می‌کند و دارای اعضای است که وضعیت‌ها و

1 Family

2 Social Context

3 Social Structure

4 Non-Neutral

5 Fluid

6 Non-Static

7 Carl Ragers

جایگاه‌های مختلفی در خانواده و اجتماع احراز کرده‌اند و باتوجه به محتوای نقش‌ها، وضعیت‌ها، افکار و ارتباطات خویشاوندی که مورد تأیید جامعه‌ای است که خانواده جزء لاینفک آن است. (علی احمدی و پور رضا، ۱۳۹۲: ۱۳).

متخصصین گوناگون تعاریف متفاوتی برای خانواده ذکر کرده‌اند از جمله پی‌یر بوردیو^۱ خانواده را مجموعه‌ای از خویشاوندان می‌داند که از طریق ازدواج از طریق نسب یا از طریق فرزندخواندگی به یکدیگر متصل‌اند و زیر یک سقف زندگی می‌کنند یعنی بر دو اصل خویشی و هم‌زیستی متکی‌اند. (منادی، ۱۳۸۵: ۱۳).

طلاق

نابسامانی خانواده یا گسیختگی آن را می‌توان به عنوان شکستن واحد خانوادگی یا گسیختگی ساخت نقش‌های اجتماعی^۲ به علت قصور یا ناتوانی یک یا چند عضو خانواده در اجرای نقش‌های خود تعریف کرد. طلاق یکی از انواع گسیختگی خانواده است که آمار آن در جامعه ایران طی سال‌های گذشته تا به امروز رو به فزونی گذارده و بالطبع آسیب‌هایی را نیز در جامعه به دنبال داشته است (کاملی، ۱۳۸۶: ۱۸۱).

طلاق از نظر لغوی، به معنی رها شدن است و در اصطلاح زندگی امروزی عبارت است از خاتمه دادن به زندگی مشترک زوجین، در دانش‌نامه جامعه‌شناسی (۲۰۰۰) بیان شده است که طلاق به دلایل متعددی از نظر جامعه‌شناسی اهمیت دارد. نرخ طلاق عمدتاً به عنوان شاخصی برای سلامت و پایداری نهاد خانواده در یک جامعه محسوب می‌شود. (ادگار: ۲۰۰۰، ۷۰۹-۷۰۰)

از نظر وایزمن^۳ طلاق فرآیندی است با تجربه به بحران عاطفی هر دو زوج شروع می‌شود و با سعی در حل تعارضات زناشویی، از طریق جدایی، با ورود به موقعیتی جدید با نقش‌ها و سبک زندگی متفاوت خاتمه می‌یابد (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۳)

در مورد علل سست شدن بنیان‌های خانواده و پیدایش ناسازگاری و طلاق، هر یک از محققان و صاحب‌نظران با نظری خاص به آن پرداخته‌اند. بروس کوئن^۴ چشم داشت‌های غیر واقع‌بینانه زوجها از خوشبختی و از بین رفتن قبح طلاق، کاسته شدن از عشق اولیه، لوئیس کوزر^۵ به نقل از تورشتاین و بلن^۶ گذار جامعه از یک سامان کهنه به یک سامان نو و ایجاد درگیری‌های اجتماعی، هایدی روزن باوم^۷ ساختار ازدواج و خانواده و نقش مسائل اقتصادی و آرون تی‌بک^۸ سوءتفاهم، بی‌اطلاعی، تفاوت در شناخت و آگاهی از وظایف نقش‌ها، توقعات بیان نشده، افکار خودانگیخته و خاموش، کاهش وابستگی عاطفی زن و

1 Pierre Bourdieu

2 Social Roles

3 Wiseman

4 BruseCojen

5 Lewis Alfred Coser

6 T.Veblen

7 Haidi Rosen Baum

8 Aaron T.Beek

شوهر به یکدیگر، تعصب و اهمیت دادن به خواسته‌های خود، تأثیر مسائل اقتصادی و بدبینی و ذهن‌خوانی غلط را عوامل ناسازگاری و طلاق می‌دانند، کاوی تغییر نقش و تفاوت در انتظارات، کاهش عشق اولیه، افزایش غرور و خودخواهی در مقابل گذشت، الوین تافلر فروکش کردن عشق، آندره میشل فروکش شدن عشق اولیه و کاهش علاقه‌مندی، نداشتن فرزند و تفاوت در قدرت اقتصادی مرد یا زن را دلایل ناسازگاری و طلاق دانسته‌اند (شهولی و رضایی فرد، ۱۳۹۰: ۱۱۶)

آگاهی

آگاهی اصطلاح فنی فلسفی‌ای است که از سده‌ی هیجدهم در شناخت‌شناسی فلسفی رایج شد. آگاهی به‌طور معمول برای بیان آگاهی نیت‌مند از ابژه‌ای به‌کار می‌رود. (احمدی، ۱۳۸۲: ۱۳). از نظر مارکس وجه متمایز «طبقه در خود» و «طبقه برای خود» همین عنصر آگاهی است. اما گیدنز معتقد است که آگاهی طبقاتی مفهومی نارساست و وی به جای واژه‌ی آگاهی واژه‌ی باخبری را قرار می‌دهد تا بر عنصر ذهنی روابط متقابل میان انسان و جامعه بیش از مارکس اشاره کرده باشد. (تنهایی، ۱۳۹۵: ۲۸۵). آگاهی به تعبیر گیدنز سه عنصر متمایز دارد: ناآگاهی یا آگاهی پنهان، آگاهی عملی، آگاهی گفتمانی

سبک زندگی^۳

در زبان‌های مختلف از ترکیب «سبک زندگی» در شکل‌های مختلف یاد شده است. این ترکیب از دو واژه‌ی سبک‌وزندگی تشکیل می‌شود (مهدوی‌کنی، ۱۳۹۰: ۴۶). شیوه‌ی زندگی، تکیه‌کلام آدلر است و در تمام نوشته‌هایش مکرر به کار رفته و مشخص‌ترین بعد روان‌شناسی فردی است. از نظر آدلر «سبک زندگی، یعنی کلیت بی‌همتا و فردی زندگی که همه فرایندهای عمومی زندگی، ذیل آن قرار دارد». تعریف وبر از سبک زندگی چنین است: شیوه‌های رفتار، لباس پوشیدن، سخن گفتن، اندیشیدن و نگرش‌هایی که مشخص‌کننده گروه‌های منزلتی متفاوت است (سوبل به نقل از فاضلی، ۱۳۸۲: ۲۱) منظور از سبک زندگی الگویی از اندیشه‌ها، احساسات، شناخت‌ها و کنش‌ها است که در مجموع هویت اجتماعی و شخصی زندگی فرد را می‌سازد. (تیرا، ۱۹۹۶: ۷)

پایگاه اجتماعی اقتصادی^۴

پایگاه اجتماعی اقتصادی اصطلاحی است که از نظر متفکران بارمعنایی آن نسبت به پایگاه از انعطاف مفهومی بیشتری برخوردار است. در متن آن علاوه بر بعد اقتصادی همانند ثروت و درآمد بعد فرهنگی مثل: تحصیلات و بعد اجتماعی (منزلت اجتماعی) را نیز در بر می‌گیرد. امروزه طیف وسیعی از پژوهشگران هنگام مطالعه نظام قشربندی از اصطلاح پایگاه اجتماعی – اقتصادی استفاده می‌کنند.

1 Alvin Toffler

2 Ander Mechel

3 Life.Style

4 Socio – Economic Status

با این حال در استفاده اصطلاح معادل پایگاه توافق وجود ندارد «در برخی منابع؛ کلمه استاتوس معادل «منزلت»^۱ یا «رتبه»^۲ تلقی شده است، یا این که چلیی پایگاه را معادل «رتبه اجتماعی» انتخاب کرده و معتقد است «موضع اجتماعی فرد تحت تأثیر سرمایه مادی (میزان دسترسی به سرمایه‌داری)، سرمایه سازمانی (میزان دسترسی به قدرت سازمانی)، منزلت (میزان دسترسی به تعهدات اجتماعی) و سرمایه فرهنگی (میزان دسترسی به منابع معرفتی) ساخته می‌شود» (چلیی، ۱۳۸۵: ۲۰۷).

نابرابری قدرت در خانواده (مردسالاری)

آبدا سلطانا^۳ (۲۰۱۰) در تعریف مفهومی خود از مردسالاری بیان می‌کند که واژه مردسالاری در تعریفی لغوی به معنای حکومت پدر است که در آن خانواده تحت‌الامر پدر یا مرد خانواده قرار دارد. از این منظر مردسالاری مبین نوعی از رابطه قدرت در نظام خانواده است که در آن همه اعضاء خانواده شامل زنان، فرزندان، بردگان، خدمتگزاران تحت حکمرانی، اراده و فرامین و دستورات پدر یا مرد خانواده قرار دارد. سلطانا متذکر می‌شود که مردسالاری همچنین اشاره به سلطه مردانه در هردو سپهر عمومی و خصوصی دارد. در سپهر عمومی مردسالاری ناظر بر سلطه مردان بر همه حوزه‌های تصمیم‌گیری، اداره امور، مالکیت، اعمال قدرت، هدایت و انتخاب است. از این منظر زنان در حیطه و دایره تصمیمات مردان قرار دارند. در سپهر خصوصی مفهوم مردسالاری مبین اقتدار و سلطه مردان در حوزه خانواده است که در آن اداره امور خانواده، تصمیم‌گیری‌ها، اعمال قدرت، اختیارات و مانند آن در حیطه وظائف پدر یا مرد خانواده قرار دارد (سلطانا، ۲۰۱۰: ۴). فمینیست‌ها با استعمال واژه «مردسالاری»، آن را جهت توضیح رابطه قدرت^۴ بین مردان و زنان بکار می‌گیرند.

خشونت

در قطع نامه‌ی ۴۸/۱۰۴ مجمع عمومی در تاریخ ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳ خشونت بدین شکل تعریف شد: هر نوع عمل خشونت‌آمیزی که بر اختلاف جنسیت مبتنی باشد و به آسیب یا رنج بدنی، جنسی و روانی زنان بیانجامد، یا آن که احتمال منجر شدن آن عمل به این نوع آسیب‌ها و رنجه‌ها وجود داشته باشد (از مصادیق خشونت شمرده می‌شود)؛ از جمله تهدید به این گونه اعمال؛ زورگویی یا محروم‌سازی خودسرانه از آزادی؛ خواه آن که در ملاء عام روی دهد، خواه در زندگی خصوصی (سازمان جهانی بهداشت، ۱۳۸۰ به نقل از اعزازی، ۱۳۸۳: ۶۲).

مدرنیته

دوران نوین، دوران مدرن یا مدرنیته^۵ به جامعه جدید (مدرن) اطلاق می‌شود. مدرنیته دوره‌ای تاریخی است که بین سده پانزدهم میلادی تا سده بیستم را در بر دارد و واجد جنبش‌های متعدد فرهنگی و عقلانی

1 Status

2 Rank

3Abeda Sultana

4 Power Relationship

5 modernity

است. البته یورگن هابرماس فیلسوف مدافع مدرنیته بر این باور است که مدرنیته پروژه‌ای ناتمام است و هنوز به آخر نرسیده‌است. به شکل کلی می‌توان منظور از مدرنیته را جامعه مدرن دانست.

روش پژوهش

با توجه به اینکه هدف اصلی تحقیق توسعه نظریه‌ای در باب پدیده طلاق بر پایه داده‌های کیفی مأخوذ از کنشگران اجتماعی است، از روش کیفی گراند تئوری یا نظریه زمینه‌ای برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و تکنیک مشاهده و مصاحبه به منظور گردآوری اطلاعات استفاده گردیده و با استخراج مستقیم داده‌ها بدون هیچ پیش فرضی به پرسش‌های تحقیق پاسخ داده شده است. با توجه به استراتژی تحقیق، داده‌ها و تصورات نظری در فرایند تکوینی، دوشادوش یکدیگر به پیش برده شدند، توالی‌های منظمی که در آغاز یا در جریان پژوهش کشف شده، پژوهشگر را به طرح پرسش‌ها و جستجوی پاسخ‌ها ترغیب کرده و با انجام مقایسه بین مراکز مورد مطالعه، داده‌ها در پرتو تصورات و اندیشه‌های نظری مورد تفسیر مجدد قرار گرفته و این به نوبه خود به پرسش‌های بعدی و مطرح ساختن فرضیه‌های موقتی و جستجوی پاسخ‌هایی منجر شده است. داده‌ها در پرتو نظریه‌ای در حال تکوین تفسیر و باز تفسیر شده و در نتیجه‌ای این تفسیرها خود نظریه نیز در جریان این فرایند بارها تغییر کرده است. بدین صورت که نظریه برساخته شده همراه با جلو رفتن پژوهش مورد آزمون و پالایش قرار گرفته و با اشباع نظری، رضایت محقق در پاسخگویی به سؤالات پژوهش حاصل شده است. از این رو روش استفاده شده در تحقیق حاضر شامل روش اسنادی، به منظور مطالعه و تحلیل تحقیقات پیشین و مبانی نظری و روش میدانی و نظریه زمینه‌ای، به منظور تحلیل داده‌های کیفی، تولید مفاهیم، مدل، نظریه زمینه‌ای می‌باشد.

روش اصلی نمونه‌گیری در نظریه مبنايي، نمونه‌گیری نظری است که در تمام مدت جریان جمع‌آوری داده‌ها و انجام مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و بدون ساختار مورد توجه بوده است. در این شیوه از نمونه‌گیری تعداد سوژه‌های تحقیق از پیش مشخص نیستند. سوژه‌ها با هدف کمک پر شدن خانه‌های خالی ماتریس نظریه انتخاب می‌شوند و نمونه‌گیری تا زمانی که مفهوم جدیدی از طریق مصاحبه‌ها به دست نیاید و اشباع نظری رخ ندهد، ادامه می‌یابد. (محسنی تبریزی، ۱۳۹۵: ۲۸۹) سوژه‌های تحت مطالعه در این تحقیق را تعدادی از زنان مطلقه و در حال طلاق در شهر تهران تشکیل می‌دهند. در این پژوهش سعی گردید از تمامی دادگاه‌های خانواده در شهر تهران سوژه‌ها انتخاب شوند تا اینکه پراکندگی و ویژگی‌های مختلف جامعه هدف را دربرگیرد و صرفاً با سوژه‌هایی با ویژگی‌های مشابه و مشترک مصاحبه نشود. سوژه‌ها به صورت حضوری مورد مصاحبه قرار گرفتند. در مجموع تعداد افرادی که مورد مصاحبه عمقی حضوری قرار گرفتند ۵۵ نفر بودند. بر این اساس در این تحقیق نمونه‌گیری گام به گام انتخاب گردید. و نمونه‌گیری با اشباع نظری به انتها رسید.

کد گذاری نظری روشی است که گلیسر و استراوس (۱۹۶۷) برای تحلیل داده‌های مرتبط با تدوین نظریه در روش گراند تئوری مطرح کردند. در این رویکرد، تفسیر داده‌ها نمی‌تواند مستقل از گردآوری یا نمونه‌گیری از آن‌ها انجام شود. تفسیر همان مرجعی است که براساس آن تصمیم می‌گیریم که کدام

داده-ها یا مورد را در مرحله بعد در نمونه بگنجانیم و این داده‌ها چگونه و با چه روش هایی باید گردآوری شوند. روش‌های مختلفی برای کار با متن در فرایند تفسیر وجود دارد که عبارت هستند از «کد گذاری باز»، «کدگذاری محوری» و «کدگذاری گزینشی» (استراوس و کربین، ۱۳۹۲: ۱۸۵)

قابلیت اعتماد

۱- استفاده از تکنیک ممیزی ۱: در این روش چند متخصص و صاحب نظر که در حوزه پژوهش و کار کیفی تخصص داشتند بر مراحل مختلف کدگذاری، مفهوم سازی، استخراج مقولات و برداشت‌های محقق نظارت کردند. ۲- زاویه بندی نظری: این شیوه توسط دنزین مطرح شده است و در این شیوه از نظریات و رویکردهای نظری مرتبط با موضوع در مرحله توسعه مفاهیم حساس و تنظیم نظام مقولات و نیز تحلیل و تفسیر نتایج استفاده می‌شود. (محسنی تبریزی، ۱۳۹۵: ۱۴۹)

یافته‌های تحقیق

فرایند تدوین نظریه در رویکرد زمینه‌ای بدین گونه است که ابتدا از طریق کدگذاری باز، مفاهیم و مقولات فرعی و سپس مقولات اصلی تبیین می‌شوند. خروجی کدگذاری باز مقولات می‌باشد. در مرحله کدگذاری محوری، مقولات فرعی به دست آمده در بخش کدگذاری باز، در قالب یک مدل پارادایمی، بر اساس رویکرد استراوس و کوربین، شامل شرایط علی، زمینه ای، شرایط میانجی و مداخله گر، راهبردها و پیامدها مجدداً ترکیب می‌شوند تا تصویر روشن تر و معقول تری از یافته‌ها به دست آید. در نهایت کدگذاری انتخابی برای رسیدن به مقوله مرکزی صورت می‌گیرد. خروجی کدگذاری انتخابی مدل پارادایمی و ارائه نظریه مبنایی می‌باشد.

کدگذاری باز

مرحله اول که کد گذاری باز است به نظر استراوس و کربین (۱۳۹۲) شامل تجزیه و دسته بندی داده‌ها و مقوله‌هاست. در مرحله کدگذاری باز داده‌های مربوط به پدیده مورد مطالعه با بررسی دقیق و موشکافانه نام گذاری و مقوله بندی شدند. محصول نام گذاری، مفاهیم هستند که عناصر سازنده نظریه بنیانی می‌باشند. در این مرحله داده‌ها با تبدیل مشاهده‌ها و مصاحبه‌ها به متن، مستندسازی و به صورت جمله به جمله جداسازی گردید. سپس جملات تکراری جداسازی و حذف شد و در نهایت با تحلیل خط به خط داده ها، داده‌های خام شکل گرفت. داده‌های خام حاصل از مصاحبه شامل ۷۰۰ داده می‌باشد. داده‌ها پس از هرس موارد اضافی و غیر مرتبط و انجام مقایسه‌های پایا و مراجعه مکرر به داده ها، توسط محقق مفهوم سازی گشت. مفاهیم پر تکرار برآمده از داده‌های خام ۱۱۵ مفهوم را شامل شده است. سپس فرایند مقوله بندی، بر اساس رویه تحلیلی مقایسه کردن، گروه بندی مفاهیم در سطحی بالاتر و و انتزاعی تر برای دستیابی به مقوله‌ها آغاز شد. در جریان این کار هر مفهوم با مفاهیم قبل یا بعد از خود و با کل مفاهیم موجود مقایسه

و تطابق داده شد و بر اساس همانندی و نزدیکی، مقوله‌ها ساخته شدند. مقوله‌های ساخته شده شامل ۳۲ مقوله می‌باشد. در جدول شماره (۱) مفاهیم و مقولات به دست آمده ارائه شده است:

جدول شماره (۱): جدول مفاهیم، مقولات و مقوله محوری استخراج شده از داده‌های کیفی

مفاهیم	مقولات
تعهد و مسئولیت‌پذیری، علاقه و دلبستگی	عوامل محافظت‌کننده
اینستاگرام، فیس‌بوک، لاین، تلگرام، ماهواره	دخالت فضاهای سایبری در روابط زناشویی
جدی و خشک بودن مرد، عدم روحیه بلند پروازی مرد و روحیه عدم تغییر	شوهر غیر اجتماعی و غیر معاشرتی و بی‌تحرك
مشکلات شخصیتی، روحی و روانی	اختلالات روحی روانی همسر
عدم تحمل شرایط موجود، قهر طولانی، فاصله، جدایی، ترک خانه، حذف رابطه جنسی	طلاق عاطفی
ورشکستگی، مسائل اقتصادی و مالی	بنیه اقتصادی ضعیف خانواده
تحقیر زن و خانواده زن، بی‌تربیتی، رفتارها و حرکات زشت، کسر شأن بودن،	ادب، نزاکت و تربیت اخلاقی پایین همسر
دوستی‌های قبل از ازدواج، دوستی و عشق سابق زن یا مرد	پایداری دوستی‌های قبل از ازدواج
آگاهی از توهین، تحقیر، از بین رفتن کرامت زن،	آگاهی زن از وضع نامطلوب موجود
اختلافات فرهنگی و مذهبی و عقیدتی و مالی	ناهمسان همسری
خانواده سنتی و قدیمی	نوع ساختار خانواده (خانواده مردسالار و سنتی، روابط مرد سالاری
مدنیت، فردیت، سکولاریزه شدن	تفاوت در میزان فردگرایی و مدرنیسم و سبک زندگی
زن دوم، صیغه، مجرد ماندن، تنوع در اشکال خانواده	تغییر ساختار خانواده به مثابه پیامد وضع موجود
طلاق اطرافیان، یادگیری	سابقه طلاق در خانواده و دوستان
اعتیاد، کلاهبرداری، دزدی و دست‌کچی و فروش مواد مخدر، خساست، نازایی	عوامل خطرآفرین
عدم مهارت در شناسایی مسئله، حل مسئله و تعارضات	کیفیت نازل مهارت‌های زندگی و ارتباطی زوجین
خشونت جسمی، روحی، جنسی، کلامی	خشونت در خانواده
نداشتن حداقل امکانات، بچه‌بازی، لایبالی‌گری	عدم آمادگی زوجین برای ازدواج
نگرش زن به طلاق و زندگی، فکر طلاق، فکر جدایی	دغدغه ذهنی نسبت به طلاق
احساس بیگانگی از خود، زندگی زناشویی، جامعه	بروز صور بیگانگی
ازدواج فامیلی یا غریبه، از طریق دوستی، زن دوم، ازدواج اجباری یا انتخابی	نوع و شیوه ازدواج
میزان منفعت در زندگی، پاداش‌ها، زیان‌ها	احساس خسران از زندگی زناشویی
خیانت، روابط فرازناشویی و صیغه، دوستی	عدم تعهد اخلاقی به زندگی زناشویی

ادامه جدول شماره (۱): جدول مفاهیم، مقولات و مقوله محوری استخراج شده از داده‌های کیفی

مفاهیم	مقولات
سرکار رفتن، مهمانی رفتن، سعی به برقراری روابط، دوست یابی، رفتن نزد مشاور	توانمند سازی خود جهت خروج از فرودستی، استقلال طلبی
احساس سربار بودن، اضافه بودن	احساس طرد و حاشیه نشینی
فرزندان عصبی و خسته، افت تحصیلی فرزندان، ازدواج برای فرار از خانه، فرار از تنهایی، برای برقراری رابطه جنسی، برچسب طلاق، زن مطلقه، بچه طلاق	افت تحصیلی و عاطفی فرزندان
دخالت اطرافیان همسر، مادر، خواهر	دخالت اطرافیان
مرد وابسته به فامیل، منفعل، دهن بین، بی‌اراده، خاله زنک	وابستگی به والدین و انفعال در روابط خانگی
عدم شناخت مرد از مسائل زنانگی و خانوادگی	عدم خرسندی و تشفی از روابط زناشویی
عدم وجود راه و هدف مشترک بین زوجین، ساز متفاوت، سلائق و خواسته‌های متفاوت	ناهمسویی در خلقیات، ذوقیات و سلائق

کدگذاری محوری

مرحله دوم کدگذاری محوری است و برای یافتن روابط میان مقوله‌ها و زیر مقوله‌ها به کار رفته و داده‌ها را دوباره به شیوه‌ای جدید روی هم می‌گذارد که به تعبیر استراوس و کربین (۱۳۹۲) فرایند مرتبط کردن مقوله‌ها به مقوله‌های فرعی است. کدگذاری محوری با استفاده از یک پارادایم انجام می‌گیرد که شامل شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط میانجی و مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهاست. در جدول شماره (۲) فرایند کدگذاری محوری نمایش داده شده است:

جدول شماره (۲) فرایند کدگذاری محوری

شرایط علی	نوع و شیوه ازدواج (غریبه، دوستی، فامیلی، همسر دوم، اجباری، انتخابی) دلایل ازدواج (استیصال، تنهایی، رابطه جنسی) عدم آمادگی زوجین برای ازدواج عوامل خطرآفرین (اعتیاد، بیکاری، خساست، نازایی، شک، عدم صداقت) اختلالات روحی روانی همسر عدم خرسندی و تشفی از روابط زناشویی و جنسی عدم تعهد اخلاقی به زندگی زناشویی ناهمسویی در خلقیات، ذوقیات و سلائق ناهمسان همسری خشونت در خانواده دغدغه ذهنی نسبت به جدایی
شرایط زمینه‌ای	بنیه اقتصادی ضعیف خانواده پایداری دوستی‌های قبل از ازدواج کیفیت نازل مهارت‌های زندگی و ارتباطی زوجین (مهارت حل مسئله و مهارت حل تعارض) سابقه طلاق در خانواده و دوستان پایگاه اقتصادی اجتماعی زن (SES)

جدول شماره (۲) فرایند کدگذاری محوری

شرایط مداخله گر	عوامل محافظت کننده (دلبستگی، مسئولیت پذیری، باور، مشارکت) دخالت اطرافیان وابستگی شوهر به والدین و انفعال در روابط خانگی نوع ساختار خانواده (خانواده مردسالار و سنتی، روابط قدرت نامتوازن) تفاوت در میزان فردگرایی و مدرنیسم و سبک زندگی آگاهی زن از وضع نامطلوب موجود ادب، نزاکت و تربیت اخلاقی پایین همسر شوهر غیر اجتماعی و غیر معاشرتی و بی تحرک دخالت فضاهای سایبری در روابط زناشویی
راهبردها	توانمند سازی خود جهت خروج از فرودستی، استقلال طلبی ناسزا، تهمت، تهدید، کتک، دعوا طلاق عاطفی (فاصله گیری، سکوت، قهر) ترک خانه مراجعه به مشاوره جهت حل مسائل خانوادگی مراجعه به دادگاه (مهریه، نفقه) و اقدام به طلاق اتخاذ رفتار مقابله به مثل عدم رغبت به برقراری رابطه جنسی
پیامدها	تغییر ساختار خانواده به مثابه پیامد وضع موجود داغ ننگ افت تحصیلی و عاطفی و اخلاقی فرزندان احساس طرد و حاشیه نشینی احساس خسران از زندگی زناشویی بروز صور بیگانگی (احساس بیگانگی از خود، زندگی زناشویی و جامعه) فردگرایی

شرایط علی

شرایط علی در نظریه مبنایی به چرایی و چگونگی واکنش سوژه‌ها به یک پدیده خاص اشاره دارد. (استراوس و کوربین، ۱۳۹۲: ۱۵۳) در تحقیق حاضر شرایط علی به مجموعه‌ای از علل و عوامل ایجابی و ایجاد پدیده طلاق و ضرورت انجام آن در جامعه از منظر سوژه‌ها اشاره دارد. از جمله این عوامل که سبب پدیده طلاق می‌شوند شامل، نوع و شیوه ازدواج (غریبه، دوستی، فامیلی، همسر دوم، اجباری، انتخابی)، اختلالات روحی روانی همسر، عدم خرسندی و تشفی از روابط زناشویی و جنسی، دلایل ازدواج (استیصال، تنهایی، رابطه جنسی)، عوامل خطر آفرین (اعتیاد، بیکاری، خساست، نازایی، شک، عدم صداقت)، عدم تعهد اخلاقی به زندگی زناشویی، ناهمسویی در خلیات، ذوقیات و سلائق، ناهمسان همسری، خشونت در خانواده، دغدغه ذهنی نسبت به جدایی، عدم آمادگی زوجین برای ازدواج.

نوع و شیوه ازدواج (غریبه، دوستی، فامیلی، همسر دوم، عجله ای، با کراهت، اجباری، انتخابی) است. خانم فرشته می‌گوید: با دوستی با همسرم آشنا شدم البته از ابتدا قصدمون ازدواج بود اما می‌دونستم کار غلطیه و به درد هم نمی‌خوریم اما به خاطر عهد و پیمان و از روی دلسوزی باهاش ازدواج کردم. خانم سهیلا می‌گوید: همسرم پسرعمم بود، مادربزرگم وصیت کرده بود که ما با هم عروسی کنیم البته الان فوت کرده اما همیشه ازش گله می‌کنم با این وصیتش.

عامل موثر بعدی دلایل ازدواج (ازدواج برای فرار از تنهایی، فقر و استیصال، حرف دیگران، رابطه جنسی، آزادی، لجبازی و چشم و هم چشمی) می‌باشد. خانم سحر می‌گوید: فقط خواستم شوهر کنم که اسم یک مرد بیاد تو شناسنامه و از دست برادر مثلا غیرتیم نجات پیدا کنم و بعد هم طلاق بگیرم.

خانم سارا می‌گوید: مادرم و خصوصا پدرم همیشه در مورد ازدواج من توی خونه حرف می‌زدن تازه ۳۰ سالم بود اما همیشه نگران بودند و به من می‌گفتن ترشیده شدی، به خاطر اونها و حرف دیگران سعی کردم منطقی باشم و با یه خواستگار ظاهرا خوب که هیچ علاقه‌ای بهش نداشتم ازدواج کردم به خیال اینکه عشق بعد از ازدواج میاد.

از شروط علی دیگر می‌توان عدم آمادگی زوجین برای ازدواج را مطرح کرد. خانم نسترن می‌گوید: شوهرم برای شروع هیچی نداشت تازه ۲۰ سالش بود نه خانه نه شغل نه تحصیلات، حتی سربازی‌ام نرفته بود.

عامل موثر بعدی عوامل خطر آفرین (اعتیاد، کلاهبرداری، دزدی، نازایی، رفیق بازی، خساست، عدم صداقت) می‌باشد. خانم الهام می‌گوید: شوهرم فقط آب و یخ می‌خورد و تمام دندانهاشم خراب شده بود، عصبی شده بود که شک کردم به اعتیاد کلی مقاله سرچ کردم و احتمال شیشه دادم وقتی ازش پرسیدم، گفت که بله شیشه مصرف می‌کنم.

خانم مرجان می‌گوید: شوهرم در کل آدم خوب و مهربانی بود اما دائم الخمر بود، وقتی مشروب می‌خورد دیگه هیچی حالش نبود و همیشه تمام وسایل خانه رو می‌شکست و من و می‌زد. اواخر مادر شوهرم می‌آمد وسایل‌های شکسته رو جمع می‌کرد.

خانم فهیمه می‌گوید: شوهرم خیلی خسیس بود اوائل فکر می‌کردم می‌تونم درستش کنم اما نشد حتی برای خریدن یک پاپ کورن دو هزار تومنی اقدام نمی‌کرد و آخرین بار سر همین دعوی شدیدی کردیم اما حاضر به خرید نمی‌شد.

عامل موثر بعدی اختلالات روحی و روانی همسر است. خانم فرشته می‌گوید: شوهرم تعادل روحی و روانی نداشت، خیلی عصبی بود. یه هفته خیلی خوب بود و یه هفته خیلی بد، دوگانگی و تضاد داشت هم دوسم داشت هم نداشت. خودشم می‌دونست تقصیر خودش گریه می‌کرد و می‌زد تو سرش و عذرخواهی اما باز روز از نو روزی از نو، انگار دست خودش نبود. حدود ۹ ماه رفت ارتش بعد که برگشت دیگه کاملا دیوانه شده بود حتی دکتر براش دارو نوشته بود.

خانم ندا می‌گوید: همسرم خیلی آدم عصبی بود سر هر چیز بیخودی دعوا راه می‌انداخت و بعد هم که مثلا یه چک می‌زد دیگه دیوانه تر می‌شد و می‌گفت چون کاری که نباید رو کردم دیگه باید تا آخرش برم.

خانم الهه می‌گوید: شوهرم جانباز ۴۰ درصد بود و توی جنگ موجی شده بود، خیلی عصبی بود از وقتی هم که ورشکست شد و خانه نشین شد بدتر شد. با چاقو و چیزهای تیز دنبال من و بچه‌ها می‌کرد و دست خودشم نبود.

عدم خرسندی و تشفی از روابط زناشویی و جنسی نیز از شروط علی است که ضرورت امکان پدیده طلاق را ایجاد می‌کند. خانم مریم می‌گوید: همسرم همیشه به من بی‌توجه بود و هر تغییری که در ظاهرم ایجاد می‌کردم اصلاً متوجه نمی‌شد، فقط وقتی نیاز جنسی داشت می‌اومد پیشم اونم دیر به دیر و بعد سکس هم من و پرت می‌کرد اونور و می‌رفت تو حال جلوی تلویزیون می‌خوابید.

عدم تعهد اخلاقی به زندگی زناشویی عامل مهم اجابی در وقوع طلاق می‌باشد. خانم ستایش می‌گوید: شوهرم با دختر عمه خودم دوستی کرده بود و حتی با هم روابط جنسی هم داشتند تمام حرفهای زشت و رکیکی هم که بینشون رد و بدل شده رو از گوشی شوهرم برداشتم و مدرک دارم، در حالی که دخترعمم هم شوهر و بچه داره یعنی زنا کرده.

خانم فاطمه می‌گوید: شوهرم اصلاً تعهد اخلاقی نداشت حتی وقتی ام نامزد بودیم همش چشمش دنبال زنها بود و کلاً خیلی با زنها در رابطه بود چون فامیل بودیم خبراش بهم می‌رسید و بعد هم که رفت زن دوم گرفت و حتی بچه دار شد.

خانم ناهید می‌گوید: فقط ۷ روز به خاطر مراسم ختم پدر بزرگم رفتم شهرستانمون حالا به کنار که شوهرم اصلاً نیومد، که صاحب خانه مان که یه زن ۴۰ سالس زنگ زد که بیا شوهرت امروز به من حمله کرده و خواسته تجاوز کنه و همسایه‌ها من و نجات دادن حالا هم فرار کرده.

ناهمسویی در خلیات، ذوقیات و سلائق نیز از دیگر شروط علی مطرح شده از نظر زنان می‌باشد. خانم مریم می‌گوید: من خیلی آدم میانه رویی بودم تو همه چی حجاب و دین و... اما همسرم خیلی افراط کار بود جوری که یه وقتها حتی خانوادش از اداهش تعجب می‌کردن. خیلی جواد بود از نظر فرهنگی به من نمی‌خورد.

ناهمسان همسری نیز از دیگر شروط علی می‌باشد. خانم شیما می‌گوید: من یه دختر شمالی بودم برای تحصیل و کار آمده بودم تهران که با شوهرم آشنا شدم و ازدواج کردم همیشه می‌گفت من خیلی از تو و خانوادت سر هستم و تمام کارها و نوع زندگی ما رو مسخره می‌کرد.

خسونت در خانواده نیز از شروط علی می‌باشد که پدیده طلاق را ایجاد می‌کند. خانم فریامی می‌گوید: همسرم خیلی دست به زن داشت حتی پرونده هم داشتیم برای خشونتش چون پرده گوشم و پاره کرده بود و بینی ام هم شکسته بود. خیلی هم حرفهای رکیک می‌زد که حتی نمی‌تونم بگم.

دغدغه ذهنی نسبت به طلاق عامل مهم دیگر در توجه به لزوم و ضرورت طلاق است. خانم ملیحه می‌گوید: از اول هم شوهرم و دوست نداشتم خیلی مرد کم هوش و حتی بیشعوری بود از همون اول همیشه فکر طلاق تو سرم داشتم و همیشه بهش فکر می‌کردم اما به خاطر دخترم تحمل می‌کردم تا بزرگ شه و بعد طلاق گرفتیم.

شرایط زمینه‌ای

شرایط زمینه‌ای مجموعه خاصی از شرایط اند که در یک زمان و مکان خاص پدید می‌آیند تا مجموع اوضاع و احوال یا شرایطی را به وجود آورند که اشخاص یا افراد (گروه‌ها) با عمل و تعامل‌های خود به آنها پاسخ می‌دهند. شرایط زمینه‌ای منشأ در شرایط علی و دخیل دارند و محصول چگونگی تلاقی و تلفیق آنها با یکدیگر برای شکل دادن به الگوهای مختلف با ابعاد گوناگون اند. (استراوس و کوربین، ۱۳۹۲: ۱۵۴) از زمینه‌هایی که در آن راهبردهای مربوط به پدیده طلاق بسط یافته اند، بنیه اقتصادی ضعیف خانواده، پایداری دوستی‌های قبل از ازدواج، کیفیت نازل مهارت‌های زندگی و ارتباطی زوجین (مهارت حل مسئله و مهارت حل تعارض)، سابقه طلاق در خانواده و دوستان، پایگاه اقتصادی اجتماعی زن است.

بنیه اقتصادی ضعیف خانواده نیز از دیگر عوامل مطرح شده است. خانم الناز می‌گوید: شوهرم بیکار مطلق بود و اصلاً دنبال کار نمی‌رفت. هیچ وقت هیچی تو خانه نداشتیم، به وقتها پدرم به گونی برنج برام می‌آورد و یا مامانم برام لباس می‌خرید. همش خواب بود دلم می‌خواست تختم و آتش بزنم. پایداری دوستی‌های قبل از ازدواج نیز از دیگر عوامل مطرح شده است. خانم نرگس می‌گوید: همسرم قبل از ازدواج دوست دختری داشته که عاشقش بوده و اما به هر دلیل بهش نداده بودن دختر رو، البته من بعداً فهمیدم و حتی بعد ازدواج ما نیز با هم رابطه داشتن.

خانم مریم می‌گوید: شوهرم اصلاً نمی‌گذاشت به موبایلش نزدیک بشم و بیشتر دعوای من سر همین بود بعد فهمیدم با عشق سابقش رابطه داره و حتی به فکر اونه و به خاطر اون موبایلش و ازم قایم می‌کرد. شوهرم آتش نشان بود و کلاً دنبال هیجان و جنون بود و همیشه ناراحت بود که با عشق ازدواج نکرده. کیفیت نازل مهارت‌های زندگی و ارتباطی زوجین (مهارت حل مسئله و مهارت حل تعارض) نیز از دیگر عوامل مطرح شده است. خانم منصوره می‌گوید: شوهرم می‌گفت موبایل آدم حریم خصوصی اش است من واقعاً نمی‌دونستم درست میگه یا نه البته الانم نمی‌دونم

خانم مهسا می‌گوید: من همیشه توی دعوا و بحث حتی وقتی مقصر نبودم سکوت می‌کردم و جوری رفتار می‌کردم که انگار مقصرم البته می‌خواستم که شوهرم آروم شه اما جالبه که اون بدتر می‌کرد. سابقه طلاق در خانواده و دوستان نیز از دیگر عوامل مطرح شده است. خانم یاسمن می‌گوید: توی خانواده ما طلاق چیز عادی بود، مادر خودم از پدرم جدا زندگی می‌کردن، برادرم و خالم و دایی ام همه طلاق گرفته بودن. به نظرم اگه انسان نتونه زندگی کنه شده هزار بار هم که باشه باید طلاق بگیره. پایگاه اقتصادی اجتماعی زن نیز از دیگر عوامل مطرح شده است. خانم سارا می‌گوید: شوهرم وضع خوبی نداشت حتی تو ۱ سال هم که بهش فرصت دادم هیچ کار نکرد خوب من اگه می‌خواستم تو یه خانه ۱۰۰ متری باشم که همون خانه بابام می‌موند، خودمم که حقوق داشتم چه کاری بود که ازدواج کنم.

شرایط مداخله گر و میانجی

منظور از شرایط مداخله گر و میانجی وضعیتی‌هایی است که بر اتخاذ راهبردها و کنش و تعامل تاثیر گذار هستند. به عبارت دیگر این شرایط به عوامل و عناصری مناسب یا نامناسب اشاره دارند که اثرات

یک یا چند عامل تغییر را کندتر یا فعال تر می‌سازند. (محسنی تبریزی، ۱۳۹۵: ۱۴۸) در این پژوهش شرایط مداخله‌گری که به کارگیری راهبردها را تسهیل یا محدود می‌کنند، شامل عوامل محافظت‌کننده (دلبستگی، مسئولیت‌پذیری، باور، مشارکت)، دخالت اطرافیان، وابستگی شوهر به والدین و انفعال در روابط خانگی، نوع ساختار خانواده (خانواده مردسالار و سنتی، روابط قدرت نامتوازن)، تفاوت در میزان فردگرایی و مدرنیسم و سبک زندگی، آگاهی زن از وضع نامطلوب موجود، ادب، نزاکت و تربیت اخلاقی پایین همسر، شوهر غیر اجتماعی و غیر معاشرتی و بی‌تحرك، دخالت فضاهای سایبری در روابط زناشویی است.

عوامل محافظت‌کننده (دلبستگی، مسئولیت‌پذیری، باور، مشارکت) از شروط مداخله‌ای می‌باشد. خانم الهه می‌گوید: شوهرم اصلاً به من غیرت نداشت خانه ما در محله پایینی بود شبها خیلی دیر از سرکار می‌اومدم و با اینکه شوهرم بیکار بود اصلاً براش مهم نبود. تمام کارها، مخارج زندگی و مسائل پسر به دوش خودم بود خیلی بی‌آر و بی‌مسئولیت بود و هیچ وقت حمایت نمی‌کرد.

خانم نسیمه می‌گوید: همسرم خیلی بی‌مسئولیت بود، یک بار تصادف کردم و پلیس آمد و من و بردن کلانتری اما شوهرم با من نیومد گفت کار دارم و باید برم و سر همین قضیه من ۲ سال توی دادگاه در رفت و آمد بودم حتی یک بار با من نیومد.

دخالت اطرافیان از شروط مداخله‌ای می‌باشد. خانم فریبا می‌گوید: مادر همسرم معلم بود فکر می‌کرد منم دانش‌آموزشم و همش تو کارام و زندگیم دخالت می‌کرد، حتی برای بیرون رفتن باید از اون اجازه می‌گرفتم. می‌خواست من و شبیه خودش کنه. حتی وقتی قهر می‌رفتم اجازه نمی‌داد شوهرم حتی بهم زنگ بزنه و خیلی وقتهام شوهرم و پر کی کرد و می‌انداخت به جون من.

وابستگی شوهر به والدین و انفعال در روابط خانگی نیز از دیگر شروط مداخله‌ای می‌باشد. خانم نازنین می‌گوید: شوهرم خیلی لوس و بچه‌ننه و وابسته بود. اصلاً خاله زنک بار اومده بود چشمش فقط به دهن مامانش بود.

نوع ساختار خانواده (خانواده مردسالار و سنتی، روابط قدرت نامتوازن) نیز از دیگر شروط مداخله‌ای می‌باشد. خانم گیتی می‌گوید: خانواده شوهرم مردسالاری بود و کلاً به نظرشون زن جنس دوم بود که می‌باید همیشه به مرد مواظبش باشه. خیلی خانواده سنتی و قدیمی بودن مثل خانواده گسترده مثلاً ما و و مادرشوهرم و ۳ تا برادر شوهرام همه تو یه ساختمان بودیم و حق نداشتیم جا به جا شیم.

تفاوت در میزان فردگرایی و مدرنیسم و سبک زندگی از شروط مداخله‌ای می‌باشد. خانم سولماز می‌گوید: شوهرم و خانوادش هیچ حریم خصوصی برای من قائل نبودن حتی نمی‌گذاشتن برم سرکار. می‌خواستم مهمونی بدم یا مسافرت برم نظر می‌دادن یا حتی می‌گفتن غذای مهمانی تو باید ما بپزیم تو بلد نیستی چقدر مواد بریزی و... از ۳ روز قبل و ۳ روز بعد معمانی ام می‌اومدن خانه ما تا همه چی و مدیریت کنن.

آگاهی زن از وضع نامطلوب موجود نیز از دیگر شروط مداخله‌ای می‌باشد. خانم پروین می‌گوید: خیلی تحمل کردم اما دیگه به شخصیتم توهین می‌شد همش کتک و بحث. حتی جلوی دخترم خجالت

می‌کشیدم و می‌دونستم بعدها دخترمم از من یاد می‌گیره، خوب داره من و می‌بینه تو سری خوردن از مرد براش عادی میشه.

ادب، نزاکت و تربیت اخلاقی پایین همسر نیز از شروط مداخله‌ای می‌باشد که پدیده طلاق را ایجاد می‌کند. خانم اعظم می‌گوید: شوهرم خیلی بددهن و بی‌تربیت بود به من و خانوادم می‌گفت خراب و... حتی یه بار ازش جدا شدم و دوباره رجوع کردم اما فرقی نکرد بی‌ادبی بی‌شخصیتی عادتش بود.

شوهر غیر اجتماعی و غیر معاشرتی و بی‌تحرك نیز از شروط مداخله‌ای می‌باشد که پدیده طلاق را ایجاد می‌کند. خانم فرشته می‌گوید: شوهرم خیلی آدم راکدی بود به کم قانع بود و اصلاً دنبال تحرک و تغییر نبود. نه اهل معاشرت بود و نه مسافرت. خیلی سر سنگین بود. همیشه تو سکوت بود و کلاً خشک و جدی.

دخالت فضاهای سایبری در روابط زناشویی نیز از شروط مداخله‌ای می‌باشد که پدیده طلاق را ایجاد می‌کند. خانم مهسا می‌گوید: شوهرم اینستاگرام داشت و تو لاین فیس یوک و... بود و من حتی خبر نداشتم تا همین اواخر و بعد فهمیدم چقدر هم هم روابط گسترده داشته و لایک می‌گرفته. بعدم با یکی از همون فالوئرهایش صیغه کرد.

کنش و تعامل (راهبردها)

راهبرد مکانیزم و تدبیری است که در برخورد با پدیده به کار گرفته می‌شود. کنشگران جهت تحقق پدیده به تدابیری می‌اندیشند و بر اساس شرایط و امکانات موجود راهبردی را اخذ می‌کنند. استروس و کوربین راهبرد را چگونگی مدیریت توسط افراد در مواجهه با مسائل تعریف می‌کنند. (استراوس و کوربین، ۱۳۹۲: ۱۵۵) به عبارت دیگر راهبرد کنش‌های هدفمندی است که برای حل یک مسئله با نیل به اهدافی صورت می‌گیرند و با صورت گرفتن آنها پدیده محقق می‌شود. در نظریه استروس و کوربین شرایط زمینه‌ای و شرایط میانجی هر دو بر راهبردها ناظرند و متوجه فعالیت‌ها و برنامه‌هایی هستند که به تحقق و شکل‌گیری پدیده منجر گردد. در تحقیق حاضر راهبردهای متعددی از سوی سوژه‌ها در تحقق پدیده طلاق تاکید گردیده است که در جدول شماره ۲ مربوط به فرایند کدگذاری محوری آمده و شامل: توانمندسازی خود جهت خروج از فرودستی، استقلال طلبی، رواج ناسزاگویی، تهمت، تهدید، کتک، دعوا، طلاق عاطفی (فاصله‌گیری، سکوت، قهر)، ترک خانه، مراجعه به مشاوره جهت حل مسائل خانوادگی، مراجعه به دادگاه (مهریه، نفقه) و اقدام به طلاق، اتخاذ رفتار مقابله به مثل، عدم رغبت به برقراری رابطه جنسی می‌باشد. به عنوان مثال خانم پروین می‌گوید: تقریباً حدود ۸ ماه تو یه خانه بودیم اما نه حرفی نه رابطه‌ای حتی جدا می‌خوابیدیم و من حتی به همسرم کرایه خانه ام می‌دادم و بعد هم که ۲ سال خانه رو ترک کردم و سعی کردم ادامه تحصیل بدم و حتی دوست یابی کنم. رفتم پیش مشاوره و کیل و اقدام طلاق و...

پیامدها

آخرین اصطلاح پارادایمی در روش استروس و کوربین پیامدهاست. هر جا انجام یا عدم انجام عمل، تعامل معینی در پاسخ به امر یا مسئله‌ای یا به منظور اداره یا حفظ موقعیتی از سوی فرد یا افرادی

انتخاب شود، پیامدهایی پدید می‌آید. برخی از این پیامدها خواسته و برخی ناخواسته اند. (استراوس و کوربین، ۱۳۹۲: ۱۵۶) سوژه‌های تحت مطالعه به پیامدهایی در خصوص پدیده طلاق اشاره کرده اند که در جدول شماره ۲ مربوط به فرایند کدگذاری محوری آمده و شامل: تغییر ساختار خانواده به مثابه پیامد وضع موجود، داغ ننگ، افت تحصیلی و عاطفی فرزندان، احساس طرد و حاشیه نشینی، احساس خسران از زندگی زناشویی، بروز صور بیگانگی (احساس بیگانگی از خود، زندگی زناشویی و جامعه)، فردگرایی می‌باشد. به عنوان مثال خانم فرنوش می‌گوید: به محض اینکه جدا شدم متوی خانوادم احساس سربار بودن و اضافه بودن داشتم و بعد هم درگیر مشکلات مالی شدم و با اینکه از مردها و ازدواج متنفر بودم مجبور شدم به صیغه با یه پسر پولدار که خیلی از خودم کوچکتر بود و همچنین طلاق تاثیرات زیادی روی درس و روح و روان پسرمد داشت.

خانم فاطمه می‌گوید: بعد از طلاق هم خودم و هم دخترم حتی پسرمد داغ طلاق خوردیم. حتی خواستگاری دخترم وقتی می‌فهمیدن ما طلاق گرفتیم بدون اینکه بگن منصرف می‌شدن.

بحث و استنتاج نظری

پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی کیفی و با استعانت از روش نظریه مبنایی کوشید مدلی پارادایمی از پدیده طلاق را بر اساس برداشت‌های ذهنی و تفاسیر و تعاریف کنشگران از این مفهوم ارائه دهد.

در باب مفهوم طلاق، سوژه‌های تحت مطالعه معتقد بودند که مفهوم طلاق هم فراخوان بافرهنگ مدرن و فرایند عرفی شدن خانواده تغییر کرده است و مفاهیمی چون تسامح، بردباری، خویشتن داری و از خودگذشتگی، و مجموعه ارزش‌های جمع گرایانه، جای خود را به ارزش‌های فردگرایانه‌ای چون لذت طلبی، خودخواهی، منفعت طلبی، مادی گرایی و ... بخشیده است.

ضرورت‌های ایجابی توجه به طلاق که ناظر بر شرایط علی پدیده از منظر سوژه‌ها در مدل پارادایمی طلاق مطرح گردید، طیف وسیعی از شرایط نظیر نوع و شیوه ازدواج (غریبه، دوستی، فامیلی، همسر دوم، اجباری، انتخابی)، اختلالات روحی روانی همسر، عدم خرسندی و تشفی از روابط زناشویی و جنسی، دلایل ازدواج (استیصال، تنهایی، رابطه جنسی)، عدم آمادگی زوجین برای ازدواج، عدم تعهد اخلاقی به زندگی زناشویی، ناهمسویی در خلیات، ذوقیات و سلائی، ناهمسان همسری، خشونت در خانواده، عوامل خطرآفرین (اعتیاد، بیکاری، خساست، نازایی، شک، عدم صداقت)، دغدغه ذهنی نسبت به جدایی را در بر می‌گرفت.

شرایط زمینه‌ای بر اساس مدل پارادایمی استروس و کوربین در نظریه مبنایی، از منظر کنشگران که ناظر بر مجموعه خاصی از شرایطی است که در یک زمان و مکان خاص پدید می‌آیند تا مجموع اوضاع و احوال یا شرایطی را به وجود آورند که اشخاص یا افراد و گروه‌ها در جامعه با عمل و تعامل‌های خود به آنها پاسخ می‌دهند، مشتمل بر عواملی نظیر بنیه اقتصادی ضعیف خانواده، پایداری دوستی‌های قبل از ازدواج، کیفیت نازل مهارت‌های زندگی و ارتباطی زوجین (مهارت حل مسئله و مهارت حل تعارض)، سابقه

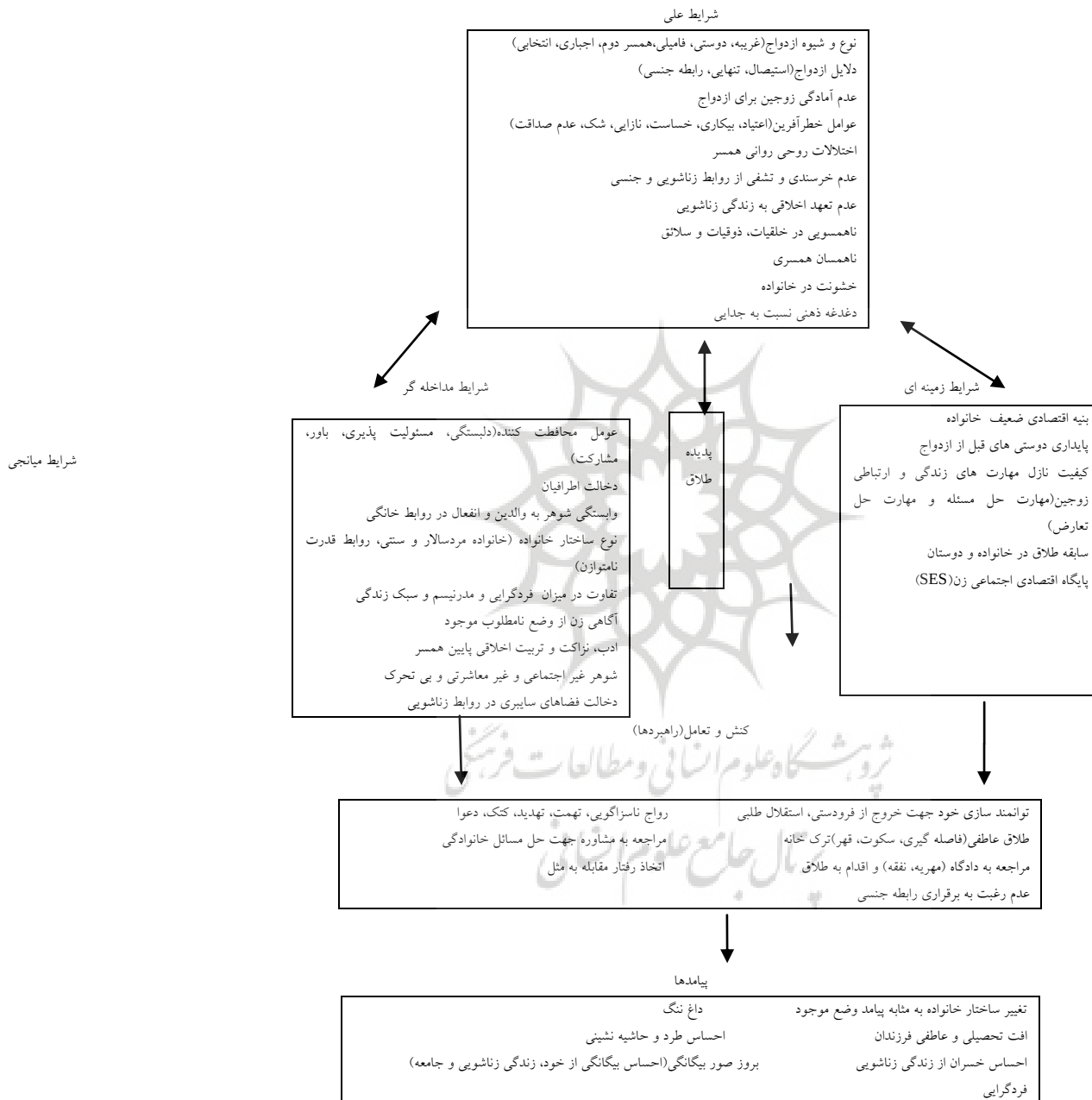
طلاق در خانواده و دوستان، پایگاه اقتصادی اجتماعی زن است که در آن راهبردهای مربوط به پدیده طلاق بسط می‌یابند.

شرایط میانجی و مداخله گر از منظر سوژه‌ها اشاره به وضعیت‌هایی دارد که بر اتخاذ راهبردها و کنش و تعامل تاثیر گذار هستند، ناظر بر شرایطی نظیر عوامل محافظت کننده (دلبستگی، مسئولیت پذیری، باور، مشارکت)، دخالت اطرافیان، وابستگی شوهر به والدین و انفعال در روابط خانگی، نوع ساختار خانواده (خانواده مردسالار و سنتی، روابط قدرت نامتوازن)، تفاوت در میزان فردگرایی و مدرنیسم و سبک زندگی، آگاهی زن از وضع نامطلوب موجود، ادب، نزاکت و تربیت اخلاقی پایین همسر، شوهر غیر اجتماعی و غیر معاشرتی و بی‌تحرك، دخالت فضاهای سایبری در روابط زناشویی است.

بر اساس مدل پارادایمی نظریه استروس و کوربین، سوژه‌ها به راهبردهایی به مثابه مکانیزم و تدبیری در برخورد با پدیده طلاق اشاره داشتند که با اتخاذ آنها پدیده طلاق محقق می‌گردد. توانمند سازی خود جهت خروج از فرودستی، استقلال طلبی، رواج ناسزاگویی، تهمت، تهدید، کتک، دعوا، طلاق عاطفی (فاصله گیری، سکوت، قهر)، ترک خانه، مراجعه به مشاوره جهت حل مسائل خانوادگی، مراجعه به دادگاه (مهریه، نفقه) و اقدام به طلاق، اتخاذ رفتار مقابله به مثل، عدم رغبت به برقراری رابطه جنسی.

پیامدهای حاصل از پدیده طلاق از منظر سوژه‌ها ناظر بر پیامدهای متنوعی است که شامل: تغییر ساختار خانواده به مثابه پیامد وضع موجود، داغ ننگ، افت تحصیلی و اخلاقی و عاطفی فرزندان، احساس طرد و حاشیه نشینی، احساس خسران از زندگی زناشویی، بروز صور بیگانگی (احساس بیگانگی از خود، زندگی زناشویی و جامعه)، فردگرایی می‌باشد.

مدل پارادایمی پدیده طلاق



منابع

- 0 آلون، تافلر (۱۳۷۲). موج سوم. ترجمه: شهیندخت خوارزمی. نشر نو
- 0 اعزازی، شهلا (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی خانواده. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- 0 ابوالحسن تنهایی، حسین (۱۳۹۵). بازشناسی تحلیلی نظریه‌های مدرن جامعه‌شناسی، دوران مدرنیته اخیر، نشر بهمن برنا
- 0 استراوس و کربین (۱۳۹۲). مبانی پژوهش کیفی. ترجمه: ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- 0 احمدی، امید علی (۱۳۹۴). تحلیل اجتماعی وضعیت و تغییرات اجتماعی ازدواج و طلاق، گزارش وضعیت اجتماعی زنان در ایران (۱۳۹۰-۱۳۸۰)، تهران: نشر نی.
- 0 احمدی، حبیب (۱۳۸۲). روانشناسی اجتماعی. شیراز: نشر دانشگاه شیراز.
- 0 آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۴). تغییرات، چالش‌ها و آینده خانواده ایرانی. تهران: انتشارات تیسرا.
- 0 ابراهیمی، منش مریم و شکریگی، عالییه (۱۳۹۵). شناسایی روند وقوع پدیده طلاق، ارائه یک نظریه زمینه‌ای، پایان نامه دکتری جامعه‌شناسی. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.
- 0 احسانی، محمد (۱۳۸۳). خانواده. فصلنامه علمی ترویجی معرفت، شماره ۸۱، ص ۸۶-۸.
- 0 بهنام، جمشید (۱۳۹۴). تحولات خانواده. ترجمه: محمد جعفر پوپنده. تهران: نشر ماهی.
- 0 بیرو، آلن (۱۳۷۵). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه: باقر ساروخانی. تهران: کیهان
- 0 برنارد، جان (۱۳۸۴). درآمدی به مطالعات خانواده. ترجمه: حسین قاضیان، تهران: نشر نی.
- 0 چلبی، مسعود (۱۳۸۵). تحلیل اجتماعی در فضای کنش. تهران: نشر نی.
- 0 چیل، دیوید (۱۳۸۸). خانواده‌ها در دنیای امروز. ترجمه: محمد مهدی لبیبی. تهران: نشر نقد
- 0 ساروخانی، باقر (۱۳۸۰). دایره‌المعارف علوم اجتماعی (جلد ۱ و ۲). چاپ سوم، تهران: کیهان.
- 0 سگال، مارتین (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی تاریخی خانواده. ترجمه: حمید الیاسی. تهران: نشر مرکز.
- 0 شهولی، کیومرث و رضایی فرد، سلطان مراد (۱۳۹۰). بررسی علل ناسازگاری و طلاق در خانواده‌های شهرستان ایزد. جامعه پژوهشی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره اول ص ۱۳۸-۱۱۱.
- 0 علی احمدی، امید و پور رضا، کریم سرا ناصر (۱۳۹۲). تهدیدهای خانواده و تقابل سنت و مدرنیسم، نامه علوم اجتماعی، شماره ۶۴.
- 0 عابدی نیا و بوالهروی و نقی زاده (۱۳۹۴). مقایسه عوامل زمینه ساز تقاضای طلاق بر حسب جنسیت، مجله روانشناسی. شماره اول، ص ۱۴۱-۱۳۸.
- 0 فروتن، یعقوب (۱۳۹۲). چالشهای خانواده معاصر و نوگرایی با تاکید بر فرایند گذار جمعیتی، مسائل اجتماعی ایران، سال چهارم، شماره ۲.
- 0 فاضلی، محمد (۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی. قم: نشر صبح صادق.
- 0 فسایی، سهیلا و ایثاری، مریم (۱۳۹۴). مطالعه جامعه شناختی سنخ‌های طلاق. مجله جامعه شناس، شماره اول، ص ۱۳۱-۱۲۵.
- 0 قریشی، فردین و ، شیرمحمدی، داوود و برجوند (۱۳۹۳). عوامل اجتماعی موثر بر میزان گرایش به طلاق در شهر یاسوج. پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی. سال سوم، شماره اول، ص ۳۳-۱۹.

- 0 کاملی، محمد جواد (۱۳۸۶). بررسی توصیفی علل و عوامل موثر در بروز آسیب اجتماعی طلاق در جامعه ایران با توجه به آمار و اسناد موجود. فصلنامه علمی ترویجی دانش انتظامی، شماره ۳۵، ص ۱۹۸-۱۸۰.
- 0 کوئن، بروس (۱۳۷۰). درآمدی به جامعه‌شناسی. ترجمه: محسن ثلاثی. تهران: فرهنگ معاصر.
- 0 کلانتری، عبدالحسین و روشن فکر، پیام و جواهری، جلوه (۱۳۹۰). آثار و پیامدهای طلاق. زن در توسعه و سیاست، دوره ۹، شماره ۳، ص ۱۱۳-۱۱۱.
- 0 گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰). پیامدهای مدرنیته. ترجمه: محسن ثلاثی. نشر مرکز
- 0 لیبی، محمد (۱۳۹۳). خانواده در قرن ۲۱. تهران: انتشارات نشر علم.
- 0 محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۹۵). روش تحقیق کیفی در مکاتب تفسیری. تهران: نشر اطلاعات.
- 0 منادی، مرتضی (۱۳۸۵). تأثیر تصورات و تعاریف مشابه زوجین در رضایت از زندگی زناشویی. مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، بهار، شماره ۴.
- 0 مهدوی‌کنی، محمد سعید (۱۳۹۰). مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی، فصلنامه مطالعات فرهنگی، سال اول، شماره اول.

- 0 Abbasi-Shavazi M. J and Mc Donald, P (2008a), "Family Change in Iran: Religion, Revolution and State", in "International Family Change", Ed. Thornton, et al. New York: Taylor & Francis Group.
- 0 Abbasi-Shavazi M. J., P. McDonald and M. Hosseini-Chavoshi (2009), "Revolution and Reproduction: The Fertility Transition in Iran", Springer.
- 0 Creswell, J. W. (2005), "Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating Quantitative and qualitative Research" (2nd edition).
- 0 Edgar F, borgatta, Rhonda J.V, Montgomer (2000). Encyclopedia of Sociology, Macmillan Reference USA
- 0 Glaser, B. & Anslem Strauss, (1967) "The discovery of grounded theory", Chicago Press
- 0 Lyngstad, T.H. and Jalovaara, M (2010) , A review of the antecedents of union dissolution, Demographic Research, Volume 23, Article 10
- 0 Vali, Scott Harold. Rednction The Divorce Rate Among Christians in America, premarital Counseling a Prerequisite for Marriage (2012). Liberty University Baptist ,Mentor, Davidson. Charles